

حرم منطقه آزاد و قلب جهان اسلام

عمید زنجانی

فهرست:

«حرم» در لغت به معنی «سرزمین مقدس و مورد احترام» است و ...

خصایص حرم

احکام ویژه حرم

حرم از آن همه مسلمین است

منطقه بینالملل اسلامی

حرم سرزمین آزاد اسلامی

فرمان علی(ع)

پاورقیها

«حرم» در لغت به معنی «سرزمین مقدس و مورد احترام» است و در

فرهنگ فقه اسلام به منطقه خاصی که شامل شهر مکه و بخشی از اطراف آن است، اطلاق میشود. میزان قداست و احترام این سرزمین را در اسلام، از احکام ویژه‌ای که بر آن مقرر شده و نیز از خصایصی که دارا میباشد میتوان به دست آورد .

خصایص حرم

این سرزمین از ابتدا با يك سلسله خصایص و ممیزاتی معرفی شده که قداست و احترام خاصی را باعث شده است. بسیاری از این خصایص قبل از اسلام – در ادیان گذشته – نیز مورد اهتمام قرار گرفته است. در این مقال کوتاه میتوان به چند مورد از این خصایص اشاره نمود :

1- حرم نخستین مرکز توحید و اولین سرزمینی است که منادیان الهی توحید، تفکر توحیدی ناب را در آن سرزمین بنیاد نهاده و ندای آن را برای انسان ها سرداده‌اند¹. به این لحاظ، جهان اسلام باید حرم را پایگاه اصلی تفکر توحیدی خالص بدانند و در همه ادوار تاریخ بویژه در تحولاتی که در جهت استقرار حاکمیت توحید انجام میپذیرد، این جایگاه رفیع و مقدس را برای حرم از یاد نبرند و بدان به عنوان قلب الهامبخش توحید ناب جهان اسلام بنگرند و چنین نقش سازندهای را به آن بازگردانند .

2- این سرزمین، حرم ابراهیم بنیانگذار مکتب رهائی بخش توحید است و اختصاص این سرزمین به ابراهیم آنطور که از برخی از روایات² به دست می‌آید، قداست و احترام خاصی را در مورد آن برمیانگیزد که در حقیقت هر نوع تقدیس و احترام این حرم، خود نوعی تعظیم شخصیت این پیامبر بزرگ الهی توحید و احترام از مکتب رهائی بخش او محسوب میگردد .

3- حرم به لحاظ شهر مکه نیز که از قداست خاصی برخوردار است و در نصوص اسلامی اعم از قرآن و سنت بر بزرگداشت این شهر

تأکید شده است³ دارای عظمت و قداست ویژه‌ای است که شهر مکه را در خود جای داده است .

4- مسجد الحرام با تمامی عظمت و احترامی که در اسلام دارد، در این سرزمین (حرم) قرار گرفته است در این مورد کافی است به اهمیت و نقشی که مسجد الحرام در قرآن و شریعت اسلام دارد⁴ توجه کافی مبذول گردد و از این نقطه نظر نیز موقعیت حرم بررسی و مورد مطالعه قرار گیرد. تمامی دل‌ها رو به سمت مسجد الحرام است : «قَوْلٌ وَجَهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ⁵» و مسجد الحرام مبدأ معراج پیامبر است⁶ . مسجد الحرامی که: «جعلناه للناس سواء العاكف فيه و الباد⁷» است و پاکسازی و سالمسازی محیط آن برای عبادت مورد تأکید قرار گرفته و در میان مساجد از ویژگی و امتیاز خاصی برخوردار گردیده است .

5- حرم شامل کعبه و بیت‌الله الحرام است و از این نقطه نظر نیز امتیاز و اهمیت و احترام فوق‌العاده‌ای را کسب نموده است؛ کعبه‌ای که: «جعل الله البيت الحرام قیاماً للناس⁸» است و در حدیث آمده است: «ما خلق الله بقعة أحبّ الیه من الکعبه .»

6- فلسفه احرام در حج و عمره، مراعات احترام خاص حرم است⁹ .

7- کسی که در حرم دفن شود در حریم رحمت الهی قرار خواهد گرفت (من دفن فی الحرم امن من الفزع الاکبر من بر الناس و فاجرهم¹⁰).

احکام ویژه حرم

با توجه به اهمیت و احترام خاصی که حرم از نقطه نظرهای مختلف حائز آن است؛ در فقه اسلامی دارای احکام ویژه‌ای است که برخی از آنها را به اشاره در اینجا می‌آوریم :

- 1- این منطقه به عنوان سرزمین امنیت معرفی شده: «اولم نمکن لهم حرماً امناً¹¹» و کشتن حیوانات (غیر اهلی) در این منطقه ممنوع است و در فقه برای مرتکبین آن مجازات‌های خاصی مقرر شده است. (من دخله من الوحش والطیر کان امناً من ان یهاج او یوذی حتی یخرج).
2- به دلیل منطقه امن بودن حرم (اولم یرونا جعلناه حرماً امناً¹²) هر فرد مسلمان تا هنگامی که در این منطقه زندگی میکند از مصونیت جانی برخوردار است، (من دخل الحرم من الناس مستجیراً به فهو آن من سخط الله عزوجلّ .)
3- در این منطقه جنگ و خونریزی ممنوع است .
4- ورود به حرم باید با تشریفات خاصی انجام گیرد که از آن به احرام تعبیر میشود و دارای احکام خاصی میباشد .
5- افراد غیر مسلمان حق سکونت در منطقه حرم را ندارند و بسیاری از فقها ورود غیرمسلمانان را به این منطقه چه به عنوان اقامت و چه برای عبور ممنوع دانسته‌اند¹³ .
این حکم شامل سفر و نمایندگی‌های خارجی و افراد غیرمسلمانی که حامل پیام می‌باشند و نیز هیأت‌هایی که برای عقد قرارداد قصد ورود به

منطقه حرم را دارند نیز می‌گردد و از اینرو در چنین مواردی
میتوانند برای انجام مقاصد خود از افراد مسلمان استفاده نمایند و یا در
خارج حرم با پیشوای مسلمین و نمایندگان رسمی وی ملاقات کنند¹⁴.
براساس این قانون اقلیت‌های مذهبی متعهد (اهل ذمه) نیز از اقامت در
این منطقه محروم می‌باشند و برای عبور نیز باید اجازه رسمی کسب
نمایند و دولت اسلامی میتواند طی قراردادی در ازای این اجازه،
مقررات مالی وضع نماید¹⁵.

6- کندن درختان و ریشه گیاهان حرم ممنوع است و همچنین بریدن
شاخه‌ها. در این مورد فقها مجازات‌های مالی خاصی را مقرر
نموده‌اند¹⁶ و حکم مصونیت درختان و گیاهان حرم را در باره محرم و
افراد عادی نیز نافذ شمرده‌اند¹⁷.

7- تردد مسلحانه در منطقه حرم ممنوع می‌باشد، (لاتخرجوا بالسیوف
الی الحرم¹⁸).

8- از سکونت کسانی که عامل فساد و الحاد هستند در منطقه حرم
جلوگیری میشود و با آنها به خشونت رفتار میشود، (من یرد فیه بالحاد
بظلم نذقه من عذاب الیم .)
منظور از کسانی که در حرم قصد الحاد به ظلم دارند آنهایی هستند که
قصد ارتکاب اعمالی چون سرقت، ستمگری، تجاوز به حقوق مردم و
هر نوع ظلم داشته باشند که از اقامت آنها در حرم جلوگیری می‌شود،
(یتقی ان یسکن الحرم¹⁹).

9- اشیائی که در حرم پیدا میشود حکم خاصی دارد²⁰ و اصولاً از دست زدن به اشیاء گمشده حرم، منع شده است، (لا تمسّ ابدأ حتی یجیء صاحبها²¹).

10- کسی که در خارج حرم مرتکب جنایتی شود و سپس به حرم پناهنده گردد تا در حرم است از اجرای حد، معاف میباشد، لیکن برای چنین کسی محدودیت هائی ایجاد میگردد تا ناگزیر از حرم خارج گردد و حد بر وی جاری شود. اما کسانی که در حرم مرتکب جنایتی شوند، به دلیل اینکه خود احترام حرم را نادیده گرفته‌اند از مصونیت حرم محروم میشوند و بر آنها حد جاری میگردد²².

11- نماز در حرمین برای مسافر اختیاری است که تمام بخواند یا قصر و این حکم گرچه اختصاص به مسجدالحرام دارد ولی جمعی از فقها این حکم را در مورد شهر مکه نیز قائل شده‌اند که حتی اگر مسافر در حال عبور از شهر مکه باشد میتواند نماز خود را تمام بخواند.

12- به استناد آیه ۲۵ سوره حج: «جعلها لله للناس سواء العاکف فیہ والباد» بسیاری از فقهای اهل تسنن از آن جمله عبدالله بن عمر خرید و فروش خانههای مکه را حرام شمرده و اجاره دادن و مالالاجاره آن را نامشروع دانسته‌اند. دارقطنی در این زمینه حدیثی از عبدالله بن عمر نقل کرده است که:

«من اکل کراء بیوت مکه اکل ناراً» «کسی که مال الاجاره خانههای مکه را بخورد چنان است که آتشی خورده است.»

احمد بن حنبل گفته است خانه‌های مکه را میتوان تملک کرد و به ارث برد ولی نمیتوان آنها را اجاره داد. در این زمینه حدیثی از پیامبر – ص – نقل شده که فرمود :

«من احتاج سکن و من استغني اسکن» ، «کسي که به خانه مکه احتیاج دارد در آن سکونت میگزیند و کسی که نسبت به آن بینیاز است دیگری در آن خانه اسکان داده میشود»²³.

در احادیث شیعه نیز آمده است که: «انه (علي – علیهاالسلام –) کره اجارة بیوت مکه و قرء سواء العاکف فيه و الباد»²⁴.
«علي – علیهاالسلام – اجاره دادن خانه‌های مکه را بد می‌شمرد و به این آیه استناد مینمود.»

و در حدیث دیگر از امیرالمؤمنین علی – علیهاالسلام – فرمود: «ان رسول الله – ص – نهی اهل مکه عن اجارة بیوتهم و ان تعلقوا علیها ابوابا»²⁵.

«رسول خدا – ص – مردم مکه را از اجاره دادن خانه‌هایشان به کسانی که برای زیارت بیتالله الحرام می‌آمدند نهی نمود و آنها را از گذاردن در، بر خانه‌های خود منع فرمود.»
در رساله علی بن جعفر به نقل از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر آمده است: «لیس ینبغي لأحد من اهل مکه ان یمنع الحاج شیئاً من الدورینز لونها»²⁶ «شایسته نیست کسی از اهل مکه، حجاج را از سکونت گزیدن در خانه‌های مکه مانع شود.»

حرم از آن همه مسلمین است

بسیاری از مفسرین در تفسیر آیه: «ان الذین کفروا و یصدون عن سبیل الله و المسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیہ و الباد و من یرد فیہ بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم»²⁷ «حکم همگانی بودن را که در آیه، به مسجد الحرام نسبت داده شده بر همه منطقه حرم شامل دانسته‌اند»²⁸؛ زیرا مشرکین نه تنها از مسجد الحرام بلکه پیامبر - ص - و مسلمین را از ورود به حرم منع مینمودند و نیز با وجود اینکه پیامبر - ص - از مکه و از خانه خود به معراج رفت .

در سوره اسراء آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلآ من المسجد الحرام» و اطلاق مسجد الحرام به همه منطقه حرم به لحاظ جزء اشراف آن میباشد .

مفهوم همگانی بودن مسجد الحرام یا منطقه حرم، این است که در نگهداشتن حرمت و قداست این سرزمین و انجام مناسک حج و عمره فرقی بین ساکنان آن و کسانی که از خارج به این سرزمین وارد میشوند وجود ندارد و اهل این منطقه هیچگونه خصوصیتی را دارا نیستند .

احترام حرم و عبادت و مناسک آن حق عمومی مسلمین است و هر نوع ایجاد مزاحمت و ممانعت در این راه تجاوز به حقوق همگانی مسلمین جهان محسوب میگردد و نوعی الحاد و ظلم است که مرتکبین آن باید با شدیدترین مجازات تنبیه شوند (نذقه من عذاب الیم .)

دنباله آیه: «و من یرد فیہ بالحاد بظلم» در حقیقت بیان جزای صدر آیه است؛ به این معنا که اگر کسی این حق همگانی مردم را مورد تجاوز قرار دهد، نوعی الحاد و از روی ستمگری است و عذاب الیم جزای او است.²⁹

مفهوم این سخن آن است که قدسیّت و تعظیم و معنویت حرم چیزی نیست که در انحصار فرد یا گروه خاصی قرار گیرد؛ بلکه این سخن که حقیقت عبادت حج و عمره است متعلق به جهان اسلام بوده و همه مسلمین بطور یکسان از این حق برخوردار میباشند.

و بالاخره مفاد آیه چنین است که: پاسدار حرم و حامی قدسیت آن و خادم این معبد و بپا دارنده احترام این سرزمین، همه کسانی هستند که حق عبادت در آن را دارند؛ بنابراین اصل قرآنی حرم باید تحت نظارت و مراقبت معنوی نمایندگان واقعی ملل مسلمان جهان اداره شود و شؤون روحانی و عبادی حرم برعهده هیئت نمایندگی جهان اسلام باشد.

منطقه بین الملل اسلامی

تردیدی نیست که مفهوم: «الذی جعله للناس» بیرون آوردن حرم از انحصار یک گروه یا یک مذهب خاص است، همانطوری که مفهوم: «سواء العاکف فیہ و الباد» برابری انسان های موحد و عبادتگذار خدا در این سرزمین، به لحاظ انجام مناسک عبادی است و این نوع آزادی،

خواه ناخواه شامل کلیه اعتقادهای و دیدگاه‌هایی می‌شود که در چهارچوب اصول اسلامی و قرآنی در میان مسلمانان وجود دارد . بنابراین اصل، هرگاه عبادت مسلمین در حرم و مسجد الحرام در چهارچوب اصول یک مذهب و یک دیدگاه منحصر گردد و دیدگاه‌ها و عقاید دیگر مسلمین، کنترل و محدود شود، و آزادی عمل در عبادت، از غیر پیروان مذهب انحصاری گروه حاکم، سلب گردد، در حقیقت مصداق دیگری از آیه: «و من یرد بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم» خواهد بود .

امروز عاکفین در این سرزمین عبادت و توحید اعتقاد و دیدگاه خاصی دارند و اصول و فروع اسلام را در چهارچوب معینی تفسیر میکنند ولی آنها که از خارج این سرزمین برای عبادت می‌آیند (الباد) برداشتی دیگر از اسلام دارند. در چنین شرایطی حکم صریح قرآن چیست . قرآن بر خلاف مذهب وهابیت – که واردین را مجبور به رعایت مذهب عاکفین میکند و آزادی عبادت را از آنان در زمینه اعتقادات خود سلب مینماید – بطور صریح می‌گوید: «سواء العاکف فیه و الباد .»

حرم سرزمین آزاد اسلامی

به اعتقاد بسیاری از علمای اسلام «منطقه حرم»، سرزمین آزاد است و برای هر واردی جایز است هر کجای حرم که خواست منزل گزیند و صاحب خانه موظف است او را جای دهد چه بخواهد و چه نخواهد³⁰.

در صدر اسلام خانه‌های شهر مکه همواره به روی زائران باز بود و خانه‌ها بدون در بود و صحابه از اینکه عده‌ای از مردم مکه به خاطر سرقتها مجبور شدند برای خانه‌های خود درب بگذارند، ابراز ناخشنودی مینمودند و میگفتند: «آیا خانه‌های خود را به روی حجاج میندید؟»³¹»

خلفا در زمان حج دستور میدادند درهای خانه‌های شهر مکه را از جای برکنند تا خانه‌ها به روی حجاج باز باشد به همین دلیل فقهای اسلامی در مورد سرزمین حرم به لحاظ قابل تملک بودن آن سه نظریه ابراز نموهاند :

1- سرزمین حرم و مکه قابل تملک نیست و حرم منطقه آزاد اسلامی است و سکونت در آن برای عموم مسلمین آزاد میباشد و در نتیجه نه ارث برده میشود و نه اجاره داده میشود نه قابل فروش است .

2- قابل تملک است، به ارث تملک میشود و قابل بیع نیز میباشد ولی در ازای اسکان زوار بیتالله الحرام کسی نمیتواند مال الإجارهای دریافت نماید .

3- از اموال عمومی است و در اختیار دولت اسلامی (امام) قرار دارد و هر نوع تصرف در این سرزمین باید براساس مصالح جهان اسلام به صلاحدید امام مسلمین انجام گیرد .

منشأ این اختلاف فقهی آن است که شهر مکه مفتوح العنوه است یا سرزمین صلح محسوب میگردد، جمعی از فقها مانند مالک و ابوحنفیه و اوزاعی سرزمین مکه را مفتوح العنوه میدانند که پیامبر - ص - پس

از فتح مکه این سرزمین را تقسیم ننمود و آن را به حال خود گذاشت تا اهل مکه و کسانی که بعداً در آن سرزمین سکونت میکنند استفاده نمایند. بنابراین رأی، سرزمین مکه قابل فروش و اجاره نیست، هرکس به آن وارد شود میتواند از آن برای سکونت خویش استفاده کند و هرکس سبقت بجوید از اولویت برخوردار خواهد بود.

به اعتقاد شافعی: مکه از اراضی صلح است و پیامبر - ص - با تهدید و اعلان جنگ، وارد حرم شد و گفتار تاریخی آن حضرت که فرمود: «من اغلق بابہ فهو امن و من دخل دار ابیسفیان فهو امن» نشانگر آن بود که مردم مکه نه از روی صلح بلکه از روی قهر تسلیم شدند ولی برخی به استناد تسلیم مردم مکه، آن را ارض صلح نامیده‌اند.

در حدیث علقمة بن نضله آمده است که: «کانت تدعی بیوت مکه علی عهد رسول الله - ص - السوائب لاتباع من احتاج سکن و من استغنی اسکن»³².

و در حدیث عبدالله بن عمر نیز آمده است: «قال رسول الله - ص - ان الله حرم مكة فحرام بیع رباعها و اکل ثمنها - و من اکل من اجر بیوت مکه شیئاً فانما یاکل ناراً»³³.

در حدیث دارقطنی از عبدالله بن عمر آمده است: «قال رسول الله - ص - مکه مناخ الاتباع رباعها و لا تواجر بتوتها»³⁴.

مبتهی کردن مسأله آزاد بودن سرزمین حرم به تشخیص مفتوح‌العنوه بودن و یا ارض صلح بودن آن از دو نظر قابل مناقشه است.

1- عناوینی چون مفتوحالعنوه که دارای احکام خاص فقهی است با نقل تاریخی ثابت نمیشود؛ زیرا از یکسو اینگونه مسائل معمولاً مورد اختلاف مورخین است و از سوی دیگر در نقل های تاریخی اتقان و اعتبار شرعی لازم وجود ندارد³⁵.

2- روایات و متونی که در باره رباع مکه و بیوت حرم نقل شده هیچگونه دلیل و قرینهای در آنها دیده نمیشود که ممنوعیت بیع و اجاره آنها به دلیل مفتوحالعنوه بودن باشد، شاید - به احتمال قوی نظر به مفاد آیه «سواء العاکف فیه و الباد» چنین سیرهای در زمان پیامبر - ص - و خلفا در مورد حرم معمول بوده است .

لیکن برخی از فقها حکم آیه را مبنی بر مساوی بودن اهل مکه و زائرین بر اساس مفتوحالعنوه بودن آن در زمان رسول خدا دانستهاند³⁶ و بنابراین نظریه، حکم آیه قانون علیحده و جدا از حکم مفتوح العنوه نیست .

به اعتقاد فقهای شیعه، در صورت مفتوحالعنوه بودن مکه، تملك و خرید و فروش آن ممنوع میشود و هر متصرفی میتواند مادام که در آن زندگی میکند به تعمیر و تجدید بنای آن اقدام نماید³⁷.

شیخ طوسی در کتاب شریف الخلاف، دلالت آیه را بر عدم جواز بیع و اجاره خانههای مکه، مورد تأیید قرار میدهد و میگوید مراد از «مسجدالحرام» در آیه، همه منطقه حرم است و در این مورد به آیه اول سوره اسراء (سبحانالذی اسری بعبده لیلاً من المسجدالحرام) استدلال میکند که با وجود آغاز معراج پیامبر - ص - از خانه خدیجه

و یا شعب ابیطالب، در این آیه به آن مکان، «مسجدالحرام» اطلاق شده است.³⁸

در صحیحہ حسین بن ابی العلاء نیز از امام صادق – علیہالسلام – آمده است: معاویہ اولین کسی است که برخانهاش در مکه درب نصب نمود و حجاج را از ورود به خانهاش منع کرد، تا آنکه این آیه نازل شد: «سواء العاکف فیہ و الباد» و رسم در بین مردم چنان بود که وقتی به مکه می آمدند بر حاضرین وارد میشدند و تا پایان حج از امکانات سکناي آنها بهره میبردند.³⁹

فرمان علي – ع –

در عصر خلافت امام، کارگزاران حضرت در مکه قثم بن عباس بود که مسئولیت اداره این مرکز را از جانب امام برعهده داشت در یکی از دستورالعمل های حکومتی که از طرف امام به نام حاکم مکه صادر شد، از قثم بن عباس خواسته شده بود که مردم مکه را وادار کند که از کسانی که در مکه سکونت میکنند اجاره بهایی دریافت ننمایند. امام در این فرمان به آیه: «سواء العاکف فیہ و الباد» استناد کرده بود و برای رفع هرگونه بهانه و شبهه های دو واژه «عاکف» و «باد» را نیز تفسیر نموده بود: عاکف کسی است که در مکه اقامت گزیده است و بادی کسی است که برای به جا آوردن حج به مکه آمده و از اهالی مکه محسوب نمیشود.⁴⁰

این فرمان که در رابطه با مسأله حج و اقامه این فریضه بزرگ سیاسی عبادی صادر شده و با جمله: «اما بعد فاقم للناس الحج و ذکرهم

بایامالله» آغاز گردید، نشانگر اهمیت مسأله حرم و شهر مکه و رابطه آن با اقامه صحیح حج می باشد .

آزادسازی و بینالملل اسلامی کردن حرم و شهر مکه تنها از بعد مالکیتپذیری این سرزمین و یا از دید اقتصادی حائز اهمیت نیست و بیشک این فرمان که از متن قرآن برخاسته است به این منظور نبوده است که حجاج و زائران بیتاللهالحرام با پرداخت اجارهها در تنگنای اقتصادی قرار نگیرند؛ بلکه روح این فرمان آن است که این منطقه به دلیل محض بودن برای عبادت و قدسیت حج و از هر نوع اعمال فشارها و تحمیل ها و ایجاد تنگناها بدور ماندن به عنوان «للناس» و همگانی اعلام گردیده و اختصاصات دیگر که نوعی سلب آزادی در عمل و اقامه حج است الغا شده است .

پاورقیها:

- 1- وسائل الشیعه، ج ۹ ، ص ۳۳۴ .
- 2- حدیث عبدالله بن زید: ان ابراهیم حرم مکه و دعی لها و انی حرمت المدینة و روایة ابن زبالة: حرما ابراهیم مکه و حرمی المدینة .
- 3- بحار الانوار، ج ۹۹ ، ص ۷۵ .
- 4- به روایات مربوط به اهمیت و نقش مسجدالحرام در وسائل الشیعه، ج ۳ و ج ۵ مراجعه شود و نیز ج ۹ صفحه ۳ (حرما المسجد لعة الکعبه و حرم الحرام لعة المسجد .)
- 5- بقره: ۱۴۶ .

- 6- اسراء: ١ .
- 7- حج: ٢٥ .
- 8- مائده: ٩٧ .
- 9- وسائلالشيعة ج ٩ ، ص ٣ .
- 10- همان مأخذ ص ٣٨١ .
- 11- قصص آيه ٥٧ ، وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ١٧٦ و ٢٠٢ .
- 12- عنكبوت آيه ٦٧ ، وسائل الشيعة ج ٩ ، ص ١٧٦ و ٢٠٢ .
- 13- مسالك مرحوم شهيد ثاني: و اما الحرم فلا يجوز لهم دخوله مطلقاً .
- 14- المبسوء ج ٢ ، ص ٤٨ .
- 15- حقوق اقليتها صفحه ١٧٥ .
- 16 و ١٧ - تحرير الوسيله ج ١ ، صفحه ٤١١ ، وسائلالشيعة، ج ٩ ، ص ١٧٢ .
- 18- وسائل الشيعة، ج ٩ ، ص ٣٥٩ ، حديث ٣ .
- 19- وسائلالشيعة، ج ٩ ، ص ٣٤١ .
- 20- تحرير الوسيله ج ٢ ، ص ٢٢٥ .
- 21- وسائلالشيعة، ج ٩ ، ص ٣٦١ .
- 22- همان مأخذ، ج ١٨ ، ص ٣٤٦ .
- 23- الجامع لاحكام القرآن، ج ١١ ، ص ٣٢ .
- 24- تفسير البرهان، ج ٣ ، ص ٨٤ ، حديث ٧ .

- 25- همان مأخذ، حديث ٨ .
- 26- همان مأخذ، حديث ٩ .
- 27- حج: ٢٥ .
- 28- تفسير الجامع لاحكام القرآن ، ج ١٢ ، ص ٣٢ ، تفسير تبيان، ج ٧ ، ص ٣٠٥ ، زبدة البيان، ص ٢٢١، فقها القرآن، ج ١ ، ص ٣١٨ .
- 29- تفسير الميزان ، ج ١٤ ، ص ٤٠٢ .
- 30- تفسير الجامع لاحكام القرآن ، ج ١١ ، ص ٣٢ .
- 31- همان مأخذ .
- 32- الجامع لاحكام القرآن ، ج ١١ ، ص ٣٣ .
- 33
- 34- همان مأخذ ، جامع الصغير سيوطي ، ج ٦ ، ص ٣ و بيهقي ، ج ٦ ، ص ٣٥ .
- 35- كتاب البيع ، حضرت امام - رضوان الله تعالى عليه - ج ٣ ، ص ٧٢ .
- 36- زبدة البيان لاحكام القرآن صفحه ٢٢١ .
- 37- همان مأخذ .
- 38- به نقل از مسالك الافهام الي آيات الاحكام، ج ٢ ، ص ٢٨٧ .
- 39- اصول كافي، ج ١، ص ٢٣٢ . مرآت العقول، ج ٣ ، ص ٢٦٦ . تهذيب، ج ٥ ، ص ٤٦٣ .

40_ نهج البلاغه، نامه ٦٧ . (مر اهل مكه الا ياخذوا من ساكن اجراً

فانالله سبحانه يقول: «سواء العاكف فيه والباد»، فالعاكف: المقيم به

والبادي: الذي يحجّ اليه من غير اهله وققنا الله و اياكم لمحابه والسلام .

والسلام./.